

ارتباط الگوی رفتاری غالب و سبک یادگیری ترجیحی با مؤلفه‌های کارآفرینانه فردی به منظور ارائه مدل

گلاره محقق دقیق^۱

محمد صالحی^{۲*}

مجید فتاحی^۳

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر شناسایی سبک یادگیری ترجیحی و الگوهای رفتاری غالب دانشجویان و بررسی رابطه بین این دو با مؤلفه‌های کارآفرینانه بود.

روش: پژوهش حاضر، از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ نوع پژوهش توصیفی-پیمایشی بود. روش مطالعه حاضر مبتنی بر روش تحقیق کیفی گراند تئوری بود که از طریق مصاحبه با تعداد ۱۲ نفر از خبرگان شامل اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها و اعضای شاغل در حرفه شامل رده‌های مختلف حرفه‌ای به روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع گلوله برفی انتخاب گردید. طبقه‌بندی داده‌ها، مصاحبه‌ها، بر اساس دو مرحله اول از نظام سه مرحله‌ای استراوس و کوربین یعنی کدگذاری باز و محوری مورد تحلیل قرار گرفت و خرده مقولات به دست آمد. جامعه آماری این تحقیق دانشجویان کارشناسی فنی و مهندسی، علوم پایه و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۹۸ بود. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۲۴۵ نفر تعیین و پاسخگویان به شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شدند داده‌ها از طریق دو پرسشنامه استاندارد سبک‌های یادگیری کلب ساخته شده توسط کلب در سال ۱۹۸۴ میلادی و الگوی رفتاری دیسک ساخته شده توسط دکتر ویلیام مولتون مارستون در سال ۱۹۲۸ میلادی و پرسش‌نامه محقق ساخته مؤلفه‌های کارآفرینانه فردی، گردآوری و با نرم‌افزارهای SPSS 23 و Lisrel تحلیل شدند.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که بیشتر دانشجویان مورد مطالعه الگوی رفتاری نتیجه محور را دارا بودند و در رشته فنی و مهندسی بیشتر دانشجویان دارای مدل رفتاری برون‌گرا و وظیفه محور با سبک یادگیری غالب همگرا؛ در رشته علوم پایه بیشتر دانشجویان دارای مدل رفتاری درون‌گرا و وظیفه محور با سبک یادگیری ترجیحی انطباق‌یابنده و در رشته علوم انسانی بیشتر دانشجویان دارای مدل رفتاری برون‌گرا و مردم محور با سبک یادگیری ترجیحی واگرا را دارا بودند.

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌ها یک رابطه معناداری بین سبک یادگیری با الگوی رفتاری دانشجویان رابطه معنی‌دار وجود داشت. یافته‌ها می‌تواند امور شناخت فردی و تحصیلی و شغلی هر چه مؤثرتر و کارا تر در مسیر فراشناخت افراد را بهبود بخشد.

کلمات کلیدی: الگوی رفتاری، تفاوت‌های فردی، سبک‌های یادگیری، مؤلفه‌های کارآفرینانه، گراند تئوری.

^۱ - دانش‌آموخته دکتری مدیریت کارآفرینی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، ساری، ایران.

^۲ - دانشیار دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، ساری، ایران. drsalehi@iausari.ac.ir

^۳ - استادیار دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، ساری، ایران.

مقدمه

ارتباط انسان با دنیای اطراف خود یک ارتباط شناختی است؛ به عبارت دیگر، ما از دنیای اطراف خود برداشتی را خواهیم داشت که ذهن یا شناخت ما از آن دارد. در دنیای دانش محور امروز، همه پژوهش‌ها تلاش دارند افرادی پرورش یابند که ظرفیت خلاقیت و نوآوری داشته باشند. در حال حاضر دیگر تنها پرورش دانشجویان دارای دانش کافی نیست بلکه دانشجویانی باید تربیت یابند که دست‌کاری کننده علم و تولید کننده دانش جدید باشند. برای پاسخ دادن به این مطالبات جامعه، تمام نهادها و مؤسسات آموزشی در دنیا تلاش دارند خلاقیت را در برنامه‌های آموزشی خود تلفیق نمایند. این چالش‌ها ایجاب می‌کند که دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی فرصت‌های آموزشی فراهم نمایند که دانشجویان ظرفیت تولید خلاقانه دانش را در خود رشد دهند (بارت، ۲۰۱۰). امروزه این واقعیت بیشتر شده است که توسعه فردی و اجتماعی به آموزش و پرورش و به‌ویژه کیفیت تدریس و یادگیری بستگی دارد.

یکی از راه‌های ارتقای کیفیت آموزش داشتن بینش کافی نسبت به نحوه یادگیری فراگیران می‌باشد. افراد همان گونه که تفاوت‌های فردی زیادی دارند، شیوه‌های یادگیری متنوعی نیز دارند، قدرت توانمندی و ترجیحات آن‌ها در روشی قرار دارد که آن‌ها اطلاعات را جذب کرده و پردازش می‌کنند. بر اساس نظریه‌های مختلف یکی از بزرگ‌ترین علل ایجاد رفتارهای ناایمنی، خطاهای انسانی است که بالاترین علت حوادث را به خود اختصاص می‌دهد (امیدواری، ۲۰۱۰). به‌طور کلی، خطای انسانی فاصله بین تصور ذهنی انسان از محیط پیرامون خود و واقعیت وجودی جهان است. این شکاف بین واقعیت عینی و درک ما سبب بروز خطا در فرایند کاری و تصمیم‌گیری ما می‌شود. هر چقدر این فاصله کمتر باشد خطای فرد کمتر است. از مهم‌ترین علل بروز خطاهای انسانی می‌توان به پیچیدگی کار، وجود استرس‌های محیطی، خستگی، شرایط محیطی، تجربه و آموزش و شخصیت فرد اشاره نمود (همتیان و امیدواری، ۲۰۱۴). یکی دیگر از عوامل مؤثر بر خطای انسانی، خصوصیات رفتاری افراد است. مدل‌های رفتاری متعددی برای تجزیه و تحلیل رفتار فردی و سازمانی فرد وجود دارند که یکی از این مدل‌ها، نظریه ویژگی‌های رفتاری دیسک است. مدل دیسک افراد را به چهار گروه با عنوان گروه‌های شخصیتی مسلط، تأثیرگذار، باثبات و وظیفه مدار تقسیم می‌کند (هانکل، ۱۹۹۲). هدف از بررسی رفتار، ایجاد توانایی در پژوهشگران و مدیران به‌منظور درک، پیش‌بینی، هدایت، تغییر و کنترل رفتار انسانی است. بدین منظور نظریه‌ها و مدل‌های متعددی برای سنجش و طبقه‌بندی شخصیت در قالب تیپ‌های شخصیتی ارائه شده است که از میان آن‌ها می‌توان به مدل ۱۶ عاملی کتل (عبادی و همکاران، ۱۳۸۲)، شخصیت‌های برون‌گرا و درون‌گرای مطرح شده در مدل آیسنک، تیپ‌های شخصیتی جان هالند، مدل پنج عاملی مک کرا و کاستا (مدل پنج صفت اصلی)، تیپ‌های نه گانه اینگرام (حسینیان و همکاران، ۱۳۹۱) و مدل MBTI که توسط مایرز و بریگز ارائه شده است و در نهایت به نیم‌رخ شخصیتی دیسک اشاره کرد. مدل‌های رفتاری متعددی برای تجزیه و تحلیل رفتار سازمانی فرد وجود دارند. یکی از این روش‌ها مدل DISC می‌باشد. این روش برای اولین بار توسط شرکت توماس اینترنشنال، در سال ۱۹۷۰ پیشنهاد شد. این ابزار به مدیران سازمان کمک می‌نماید تا بتوانند رفتار خود و سایر افراد را در مدت‌زمانی بسیار کوتاه شناسایی نموده و ارتباطات درون‌سازمانی بین کارمندان و مدیران را بهبود بخشند و در شرایط مختلف به‌گونه‌ای راهنمایی می‌کند که در ارتباط با دیگران به موفقیت بیشتری نائل گردد (ساگرمن، ۲۰۰۹).

به‌طور کلی با عنایت به اهمیت شناخت سبک‌های یادگیری و مدل‌های رفتاری و شناسایی توانمندی و مؤلفه‌های کارآفرینانه دانشجویان می‌توان به شناخت مؤثری از روحیه و آمادگی آن‌ها برای راه‌اندازی کسب‌وکارهای کارآفرینانه شد و نیاز به آموزش‌های لازم در دانشگاه برای توانمندسازی دانشجویان و ارتقا مؤلفه‌های کارآفرینانه آنان را مشخص کرد. آموزش فرایندی پیچیده است که هرگونه ساده نگری درمورد آن می‌تواند منجر به هدر رفتن نیروها و امکانات شده و تلاش‌ها را با شکست مواجه سازد. بنابراین گسترش آموزش و دگرگونی در آن نیازمند شناخت فرایند آموزش و آگاهی از شیوه‌های نوین اجرای آن است (لی، چن و تاسی، ۲۰۰۸). سبک‌های یادگیری، مجموعه‌ای از ویژگی‌های رفتاری، روانی- حرکتی، عاطفی و شناختی است که به‌عنوان یک شاخص چگونگی ادراک، یادگیری و تعامل دانش‌پذیر را با محیط یادگیری و پاسخ‌دهی به آن تعیین می‌کند (سن و یلماز، ۲۰۱۲). مدل سبک یادگیری کلب گسترده‌ترین مدل سبک یادگیری موردقبول است با ترکیب چهار مرحله یادگیری، چهار نوع سبک یادگیری را نیز

مشخص نمود: سبک همگرا یا هنجار پذیر، سبک واگرا یا هنجار گریز، سبک جذب کننده یا همگون ساز، سبک انطباق یابنده یا همگون گر (سادلر، اسمیت و تانسک، ۱۹۹۸). امروزه کاملاً مشخص شده است که تفاوت‌های افراد در یادگیری فقط تا حدی به هوش و توانایی‌های آن‌ها بستگی دارد؛ بنابراین عوامل دیگری نظیر ویژگی‌های شخصیتی، دشواری تکلیف‌ها و تفاوت سبک‌ها نیز در این امر دخیل‌اند. در مجموع اصطلاح سبک، به الگوی غالب فرد در انجام دادن کارها اشاره دارد. سبک یادگیری، روش ترجیحی یا معمول فرد برای یادگیری است (احدی، ۱۳۸۸). به اعتقاد کلب همه افراد یاد می‌گیرند ولی با سبک‌های متفاوت، از ترکیب چهار مرحله مربوط به چرخه یادگیری، چهار سبک یادگیری ایجاد می‌شود که هر کدام در یک ربع مختصات قرار دارد و عبارت‌اند از: ۱- سبک واگرا، ۲- سبک جذب کننده، ۳- سبک همگرا و ۴- سبک انطباق یابنده. یادگیرنده کارآمد ممکن است که در یکی از این مراحل مسلط‌تر باشد. از ترکیب ابعاد چهار سبک یادگیری ایجاد می‌شود: واگرا، همگرا، جذب کننده و انطباق یابنده.

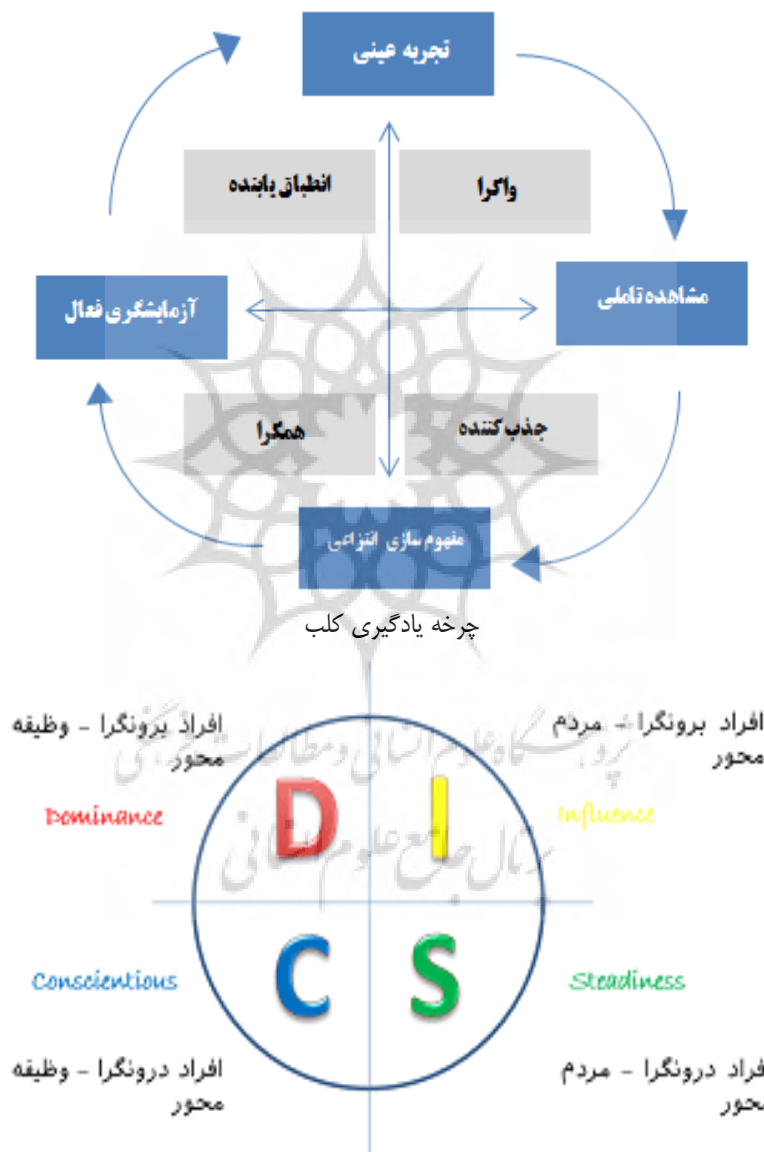
هر فرد هنگام یادگیری از تمام این سبک‌ها استفاده می‌کند، اما یکی از آن‌ها را نسبت به سایر آن‌ها ترجیح می‌دهد. کوهن معتقد است که فراگیران به این دلیل که نمی‌دانند چگونه از مهارت‌های فراشناختی خود استفاده کنند، مشکلات بسیاری در استدلال علمی دارند که این می‌تواند ریشه در آموزش‌های آنان در دوره‌های تحصیلی پایین‌تر داشته باشد. تفکر، احساسات و رفتار انسان در موقعیت‌هایی که به توانایی خود اطمینان دارد، متفاوت از رفتار او در موقعیت‌هایی است که در آن به توانایی خود اطمینان ندارد (بندورا، ۱۹۹۷). یادگیری چیزی است که در نتیجه تجارب معین صورت می‌پذیرد و بیش از ایجاد تغییر در رفتار رخ می‌دهد (هرگنهان و السون، ترجمه سیف ۱۳۹۱). کیمبل یادگیری را اینگونه تعریف کرده است: "تغییر نسبتاً پایدار در توان رفتاری (رفتار بالقوه) که در نتیجه تمرین تقویت شده، رخ می‌دهد." (هرگنهان و السون، ترجمه سیف، ۱۳۹۱). روانشناسان گشتالت یادگیری را تنظیم مجدد مفاهیم و تجربه‌هایی می‌دانند که به پیش منجر می‌شود. به نظر تراوس، یادگیری زمانی رخ می‌دهد که در نتیجه شرایط محیطی، تغییرات نسبتاً پایداری در پاسخ به وجود آید. قسمت عمده رفتار آدمی آموختنی است. فرایند یادگیری نه به طور مستقیم بلکه به فرد کمکی می‌کند تا خود را با محیط در حال تغییر سازگار نماید (السون و هرگنهان، ترجمه سیف، ۱۳۸۸). رفتار به صورت توصیفی به کلیه ی حالت‌ها و وضعیت‌های انسان در هر لحظه گفته می‌شود، اعم از این که حامل اثر مشخص و مشهود بیرونی باشد یا نباشد. تجزیه و تحلیل رفتار فردی و سازمانی فرد وجود دارند که یکی از این مدل‌ها، نظریه ویژگی‌های رفتاری دیسک است. مدل دیسک افراد را به چهار گروه با عنوان گروه‌های شخصیتی مسلط، تأثیرگذار، باثبات و وظیفه مدار تقسیم می‌کند (هانکل، ۱۹۹۲). هدف از بررسی رفتار، ایجاد توانایی در پژوهشگران و مدیران به منظور درک، پیش‌بینی، هدایت، تغییر و کنترل رفتار انسانی است. این ابزار به مدیران سازمان کمک می‌نماید تا بتوانند رفتار خود و سایر افراد را در مدت‌زمانی بسیار کوتاه شناسایی نموده و ارتباطات درون‌سازمانی بین کارمندان و مدیران را بهبود بخشند. ابزار دیسک گزارش‌هایی را ارائه می‌نماید که نه تنها رفتارهای منحصر به فرد شخص را شناسایی می‌نماید، بلکه وی را در تغییر رفتارهای خود در شرایط مختلف به گونه‌ای راهنمایی می‌کند که در ارتباط با دیگران به موفقیت بیشتری نائل گردد. در الگوی دیسک "رفتار" عبارت از عمل و عکس‌العمل‌های قابل مشاهده از یک فرد در موقعیت‌ها و شرایط متفاوت که در این مدل به چهار نوع مجزا تقسیم‌بندی می‌شود. همه ما به نسبت‌های متفاوت از همه این تمایلات رفتاری برخوردار هستیم اما همواره میزان یک یا دو تمایل رفتاری در ما بیشترین است که به آن‌ها "سبک‌های غالب رفتاری" گفته می‌شود.

جدول ۱. رفتارهای معمول در مدل رفتاری DISC

رفتارهایی که معمولاً دیده می‌شود	سبک‌های رفتاری چهارگانه	
به اصل مطلب می‌پردازند از چالش استقبال می‌کنند رک هستند کلان را می‌بینند	این افراد تمایل دارند بر محیط و افراد تسلط و کنترل داشته باشند و بر دستیابی به نتایج تأکید دارند. معمولاً با اعتماد به نفس هستند.	Dominance تسلط
مشارکت‌گرا هستند شور و انرژی زیادی دارند خوش‌بین و از حذف شدن بیزارند	این افراد معمولاً افرادی اجتماعی هستند و تمایل دارند از طریق نفوذ و تأثیرگذاری بر دیگران یا متقاعد کردن آن‌ها بر محیط اطراف خود تأثیرگذار باشند.	Influence نفوذ
متواضع و فروتن هستند	این افراد معمولاً قابل‌اتکا و خدمت‌گزار هستند و تمایل دارند از طریق	

همکاری و مشارکت با دیگران کار خود را جلو ببرند.	Steadiness ثبات
حمایت گر و آرام هستند از عجله و استرس بیزارند	
این افراد معمولاً بر تخصص و شایستگی تأکید دارند و تمایل دارند طبق استانداردها عمل کنند تا کیفیت و دقت کار تضمین شود.	Conscientiousness تحلیلیگری
مستدل و تحلیلیگر هستند به جزئیات علاقه زیادی دارند لذت از استقلال و بیزار از اشتباه	

هر یک از افراد مقداری از ویژگی‌های را دارا هستند و این یکی از مزایای مدل DISC می‌باشد. هیچ شخصی به‌طور کامل S، I، D یا C نیست، بلکه هر یک از افراد، ترکیبی از این چهار ویژگی را کم یا بیش دارد. ویژگی اصلی فرد ویژگی‌ای است که شاخص آن از بقیه بیشتر و با یکی از این چهار حرف شناخته می‌شود، اما ممکن است بقیه را نیز بالاتر از حد متوسط داشته باشد.



مدل رفتاری DISC

شکل ۱. مدل مفهومی کلب و دیسک

نظام آموزشی در صورتی کارآمد خواهد بود که بتواند روحیه‌ی کارآفرینی را در منابع انسانی در حال آموزش، پرورش دهد (ماتویک، ۲۰۱۰). پرورش افراد کارآفرین و تفکر خوداشتغالی در کنار شناخت و درک مناسب مؤلفه‌های روان‌شناختی فرد همچون سبک‌های یادگیری که ترجیح می‌دهد و یا الگوی رفتاری که غالباً نشان می‌دهد، می‌تواند به عنوان راه‌حل‌های مقتضی از طرف سیاست‌گذاران و مدیران اقتصادی برای تشویق دانشجویان به کارآفرین شدن و شناخت عوامل و فرایندهای تصمیم‌سازی که منجر به کارآفرین شدن آن‌ها مورد توجه قرار گیرد. مطالعات در این باره نشان داده است که چنین آموزش‌هایی توانسته افراد را مسئولیت‌پذیرتر نماید و آن‌ها را تبدیل به کارآفرین و یا متفکران حوزه‌ی کارآفرینی کند. در حقیقت دیدگاه محققان علوم رفتاری قصد داشت با شناخت ویژگی‌های ذاتی "رویکرد شخصیتی" و ویژگی‌های اکتسابی "رویکرد رفتاری" کارآفرینان بیشتری را به جامعه معرفی کند تا آهنگ رشد و پیشرفت جامعه را تسریع نمایند. چرا که حال حاضر در عرصه جهانی افراد خلاق و مبتکر به عنوان کارآفرینان منشأ تحولات بزرگی در زمینه صنعتی، تربیتی و خدماتی شده‌اند.

رادفر و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با نام طراحی و تبیین مدل بومی ویژگی‌های فردی کارآفرین به طراحی و تبیین مدل بومی ویژگی‌های فردی کارآفرین جهت انتخاب سرمایه‌گذاری مخاطره‌پذیر در شرکت‌های نوپا پرداخت سپس مدل بومی ویژگی‌های فردی کارآفرین جهت انتخاب سرمایه‌گذاری مخاطره‌پذیر در شرکت‌های نوپا را ارائه دادند. عسکری فر و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان ارائه الگوی آموزشی توسعه توانمندی‌های کارآفرینانه با میانجی‌گری ویژگی‌های شخصیتی به تعیین ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی و ارائه الگوی آموزشی برای توسعه این ویژگی‌های نشان دادند رویکرد مدیریت مشارکتی در برنامه‌های آموزشی، الگوسازی برای دانش‌پذیر، تشویق هدفمند و برقراری رابطه احساسی مثبت با آن‌ها در کنار مهارت‌های ارتباط کلامی و برنامه‌ریزی اثرگذاری معناداری بر ویژگی‌های شخصیتی و رشد توانمندی‌های کارآفرینانه در دانش‌آموزان دارد.

گرانمایه و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان تعیین سبک یادگیری دانشجویان پرستاری و مامایی و ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی به این نتایج دست یافتند که سبک یادگیری غالب دانشجویان مورد مطالعه، سبک واگرا می‌باشد. سبک یادگیری با میانگین نمرات واحدهای عمومی دارای ارتباط معنادار آماری ($P=0.04$) بود.

هان و همکاران (۲۰۲۰) این احتمال را که فرد فرصت‌های کارآفرینی را درک کرده و انگیزه خود و شناخت از مهارت‌های خود را برای دنبال کردن آن فرصت‌ها افزایش می‌دهد بررسی کردند، و نتیجه ارائه دوره‌های آموزش کارآفرینی (EE) توسط دانشگاه‌ها شد. مارستون (۲۰۱۳) در کتابی با عنوان احساسات مردم عادی به بررسی لذت و غریزه، لذت و درد، میانی عصبی اندیشه، بدن و رفتار بالغ، احساسات افراد عادی، روانشناسی یکپارچه می‌پردازد در تبیین رفتار بشر پاسخ افراد به محرک‌های محیطی به‌طور گسترده‌ای وابسته با چگونگی عادت فرد از درک محیط دارد، برداشت از محیط به‌صورت "مطلوب یا نامطلوب" و نتیجتاً ایجاد چهار حیطه دیسک تحلیل‌پذیر است.

روش پژوهش

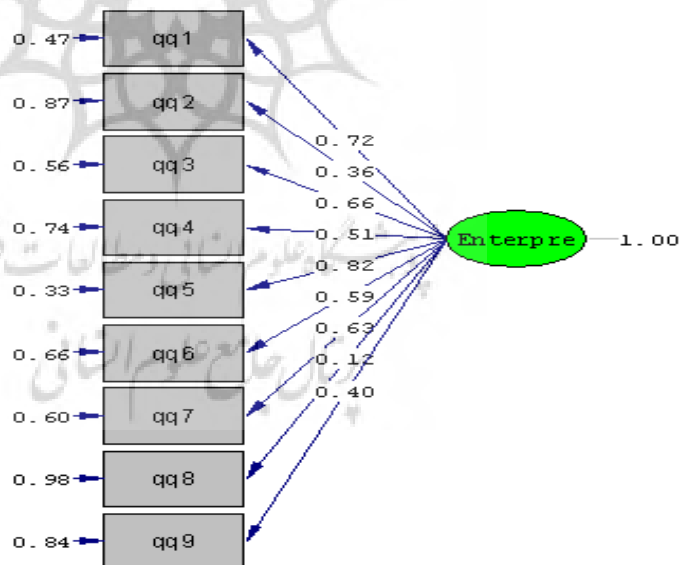
مطالعه حاضر مبتنی بر روش تحقیق کیفی "گراند تئوری" است. از تحلیل درون مایه‌ای جهت شناسایی مؤلفه‌های کارآفرینانه افراد استفاده شد با پرسش: مؤلفه‌های کارآفرینانه دانشجویان در کارآفرینی دانشگاهی چیست؟ انجام فرایند بر اساس راه‌حل ارائه شده توسط استروبرت و کارپنتر پی‌گیری شد که شامل: ۱- جمع‌آوری داده‌های تجربی ۲- شکل‌دهی و توسعه مفهومی ۳- اصلاح و تکمیل مفهوم ۴- مقوله‌بندی ۵- تهیه گزارش می‌باشد. با توجه به هدف و موضوع، این تحقیق از نظر هدف کاربردی و به لحاظ روش اجرا پیمایشی می‌باشد چرا که قسمت عمده‌ای از اطلاعات مورد نیاز با استفاده از پرسشنامه‌های محقق ساخته و استاندارد جمع‌آوری می‌گردد. در تهیه پرسشنامه کیفی مؤلفه‌های کارآفرینانه دانشگاهی تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر متناسب با نوع پژوهش و در طی سه مرحله به شرح زیر انجام شد: در مرحله اول که مربوط به بخش کیفی پژوهش بود، در ابتدای هر مصاحبه از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا واژه‌های رفتار کارآفرینانه و کارآفرینی دانشگاهی را توصیف و سپس تجربیات و ادراکات خود در

رابطه با عوامل مؤثر بر کارآفرینی دانشگاهی در آموزش عالی را بیان نمایند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در زمینه برازندگی مدل طراحی شده، داده‌های جمع‌آوری شده وارد نرم‌افزار اس پی اس شدند. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها تعداد ۵۰ داده خام شناسایی شدند که این داده‌های خام را به ۱۷ کد مشترک تبدیل کرده و ۱۷ کد مشترک در قالب ۹ مفهوم دسته‌بندی ارائه شد، سپس ۹ مفهوم به ۴ مقوله دسته‌بندی شد. پرسشنامه‌ای شامل ۴۰ گویه طراحی شد که در آن پاسخ هر سؤال بر روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای مشخص می‌شود. پس از تدوین پرسشنامه اولیه که ماحصل مطالعه اولیه و مصاحبه با خبرگان است پانل گراندد تئوری تشکیل شد. برای تعیین روایی پرسشنامه از تحلیل محتوی استفاده شد، پس از پاسخ افراد گزینه‌های بی‌اهمیت تا متوسط کد صفر و بااهمیت و بسیار بااهمیت کد یک داده شد و میزان توافق ارزیابان از طریق محاسبه ضریب آلفای کربیندورف و به‌وسیله نرم‌افزار R مورد تحلیل قرار گرفت. جامعه آماری صاحب‌نظران را ۱۲ نفر از خبرگان تشکیل می‌دادند. طبقه‌بندی داده‌ها، مصاحبه‌ها، بر اساس دو مرحله اول از نظام سه مرحله‌ای استراوس و کوربین یعنی کدگذاری باز و محوری مورد تحلیل قرار گرفت و خرده مقولات و مقولات به دست آمدند.

یافته‌های پژوهش

متغیرهای اصلی استخراج شده از داده‌ها و زیر شاخه‌های آن‌ها مورد بررسی قرار گرفتند. تحلیل محتوای داده‌ها به استخراج ۴ درون مایه اصلی (مقوله‌ها) و ۹ درون مایه فرعی (مفاهیم) به شرح ذیل انجامید.

مقوله خلاقیت با درون‌مایه‌های فرعی: تمایل به نوآوری، ابتکار و سیالی، مقوله باور فراشناختی با درون‌مایه‌های فرعی: تحمل ابهام و انعطاف‌پذیری، مقوله خودباوری با درون‌مایه‌های فرعی: عزت‌نفس و اطمینان از عقاید خود، مقوله سبک تفکر با درون‌مایه‌های فرعی: سبک تفکر کلی و تفکر جزئی. شکل زیر نتایج تحلیل عاملی تأییدی را برای متغیر پرسشنامه کارآفرینی دانشگاهی در حالت تخمین استاندارد را نشان می‌دهد.



Chi-Square=43.15, df=27, P-value=0.02529, RMSEA=0.050

شکل ۲. تحلیل عاملی تأییدی متغیر پرسشنامه کارآفرینی دانشگاهی

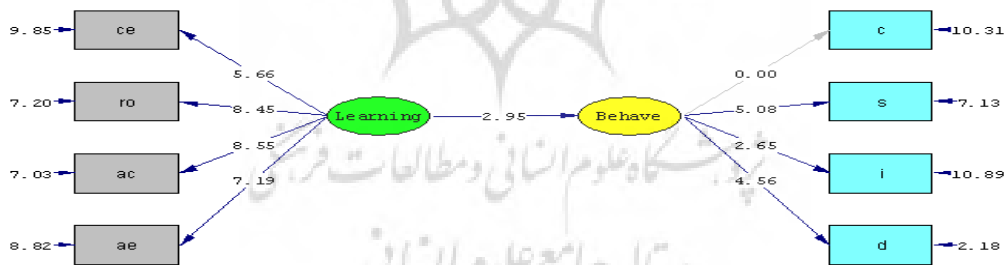
در نمودار مستطیل‌ها نشان‌دهنده متغیرهای آشکار (مشاهده شده) هستند همان سؤالات پرسشنامه می‌باشند که مربوط به کارآفرینی دانشگاهی است، دایره‌ها نشان‌دهنده عامل‌ها (متغیرهای پنهان، نهفته یا مکنون) هستند و فلش‌های مربوط به متغیرهای آشکار مقدار واریانس مربوط به هر متغیر آشکار را نشان می‌دهد و فلش‌های یک‌طرفه از متغیر مکنون به متغیرهای آشکار اثرات یک متغیر بر

متغیر دیگر (بار عاملی) هستند، در تحلیل عاملی محقق همواره فرض می‌کند که متغیرهای پنهان علت متغیرهای آشکار هستند به همین دلیل فلش‌ها از متغیر پنهان نشأت گرفته و به متغیرهای آشکار ختم می‌شود. قدرت رابطه بین عامل (متغیر پنهان) و متغیر قابل مشاهده به وسیله بار عاملی نشان داده می‌شود. محقق با مطالعه در مقالات مختلف و مصاحبه با خبرگان، در خصوص ابعاد کارآفرینی دانشگاهی، فرم نظرسنجی با ۹ بعد و ۵۰ مصداق تهیه کرد. تعداد ۳۰ نفر از افراد متخصص و صاحب نظر شامل اساتید، دانشجویان دوره دکتری انتخاب شدند، متخصصان و خبرگان در نوشته‌های خود هر کدام به عوامل مشخص شده نمره‌ای بین ۱ تا ۵ دادند. سپس محقق با استفاده از آزمون t ی یک طرفه اقدام به تعیین اهمیت کردند، با توجه به آن که متغیرمقادیر بین ۱ تا ۵ را به خود اختصاص می‌دهد از این رو مقادیر کمتر از ۳ را به عنوان عدم تأثیر و بیشتر یا مساوی ۳ را به عنوان تأثیر در نظر می‌گیریم همان طور که از جدول زیر ملاحظه می‌گردد، از نظر خبرگان از بین ۹ بعد از قبل مشخص شده همه ابعاد تأیید کردند. دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد که تعداد کل آن‌ها بالغ بر ۲۰۰۰۰ نفر است که در ۳ مجموعه مهندسی (دانشکده مهندسی، کشاورزی و)، علوم پایه (علوم پایه و علوم ریاضی) و علوم انسانی (ادبیات، علوم تربیتی، علوم اداری، حقوق و الهیات) مشغول تحصیل هستند. ابزارهای تحقیق دو پرسش نامه استاندارد کلب و دیسک و پرسشنامه محقق ساخته مؤلفه‌های کارآفرینانه بودند

وضعیت الگوی رفتاری افراد در نمونه در نمونه تحت بررسی شامل ۱۵/۹ درصد وظیفه مداری، ۴۲/۴ درصد نتیجه محور، ۲۰/۸ درصد خوش بین و ۲۰/۸ درصد سلطه گر بوده است. اگر فرض کنیم که: $Y =$ متغیر ملاک (وابسته)، الگوی رفتاری $X =$ متغیر پیش بین (مستقل)، سبک یادگیری با توجه به نرمال بودن توزیع متغیرهای سبک یادگیری و الگوی رفتاری در نمونه، برای تعیین همبستگی از

آزمون معادلات ساختاری استفاده خواهد شد. لذا بایستی فرض‌های زیر را آزمون کنیم: H_0 : بین سبک یادگیری با الگوی رفتاری رابطه معنی دار وجود ندارد. H_1 : بین سبک یادگیری با الگوی رفتاری رابطه معنی دار وجود دارد.

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش آماری مدل سازی معادلات ساختاری (SEM) استفاده شد؛ که نتایج مربوط به آن را می‌توان در شکل‌های زیر مشاهده کرد. شاخص‌های اصلی برازش شامل P_value, Df.chi-square, RMSEA, GFI, AGFI در زیر شکل نشان داده شده است.

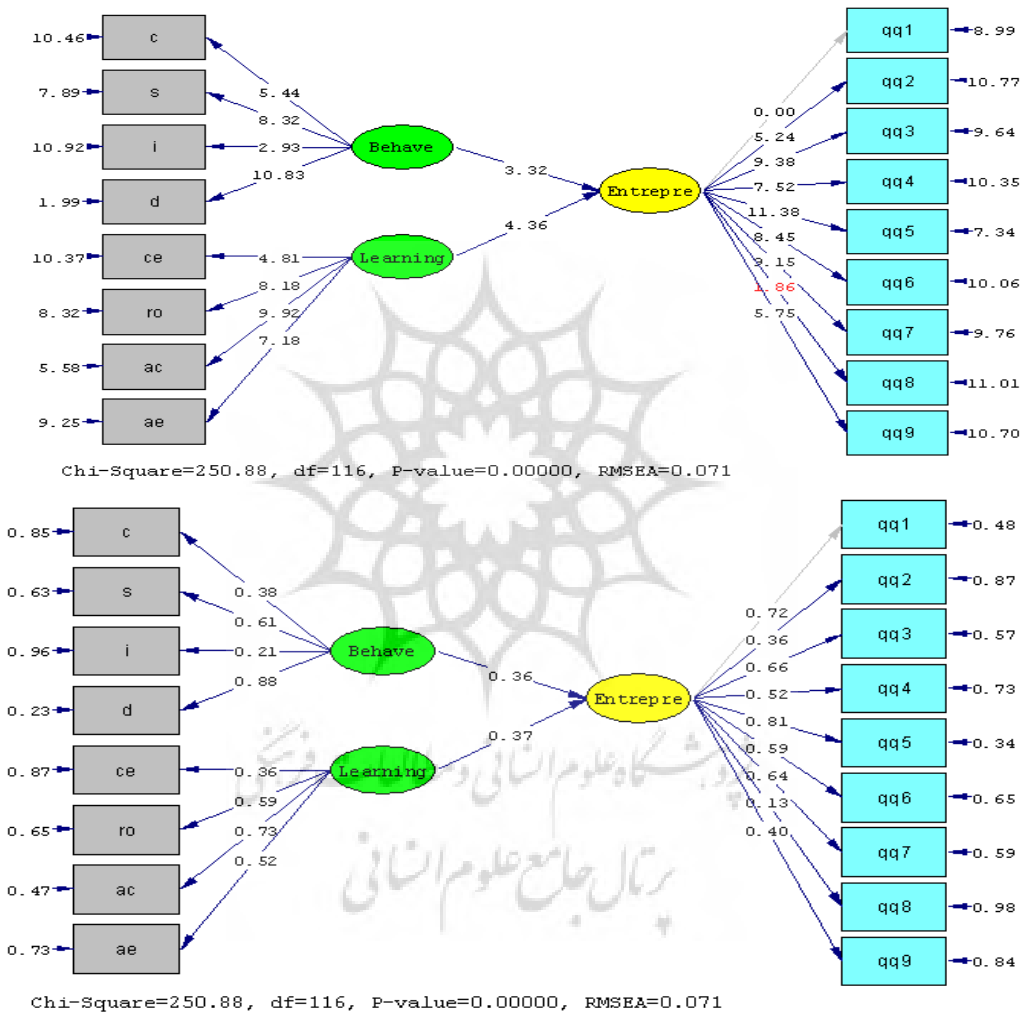


Chi-Square=49.34, df=19, P-value=0.00000, RMSEA=0.068

شکل ۳. تحلیل مسیر بر اساس شاخص، شاخص ضریب اثر، t ، رابطه سبک یادگیری با الگوی رفتاری

با توجه به شرایط معادله ساختاری، شاخص برازش χ^2/df معادل ۲/۵۹ و مقدار از ۳ کمتر است که نشان می‌دهد مدل نظری با داده‌ها برازش دارند و با این داده‌ها تأیید می‌شوند و نشان می‌دهد پایایی لازم را داشته است. RMSEA معادل ۰/۰۷۳ (جزر برآورد واریانس خطای تقریب یا همان آزمون انحراف هر درجه آزادی است) که به عنوان اندازه تفاوت برای هر درجه آزادی ارائه کرده است، استفاده می‌شود. مقدار $0.08 < RMSEA < 0.03$ برازندگی خوب مدل را نشان می‌دهد. از طرفی P-value (سطح معنی داری) ۰/۰۰۱ می‌باشد که کمتر از ۰.۰۵ است. همچنین مقدار آماره t ، رابطه سبک یادگیری با الگوی رفتاری معادل ۲/۹۵ و از عدد ۱/۹۶ بیشتر است، ضمناً سایر شرایط معادله ساختاری نیز برقرار می‌باشد، لذا در سطح $\alpha = 0.05$ فرض صفر را رد و فرض مقابل را مبنی بر اینکه، بین سبک یادگیری با الگوی رفتاری رابطه معنی دار وجود دارد را می‌پذیریم.

با در نظر گرفتن $Y =$ متغیر ملاک (وابسته)، کارآفرینی دانشگاهی دانشجویان و $X =$ متغیر پیش بین (مستقل)، سبک یادگیری و الگوی رفتاری با توجه به نرمال بودن توزیع متغیرهای سبک یادگیری و الگوی رفتاری و کارآفرینی دانشگاهی دانشجویان در نمونه، برای تعیین همبستگی از آزمون معادلات ساختاری استفاده خواهد شد. لذا بایستی فرض‌های زیر را آزمون کنیم: H_0 : بین سبک یادگیری و الگوی رفتاری با کارآفرینی دانشگاهی دانشجویان رابطه وجود ندارد. H_1 : بین سبک یادگیری و الگوی رفتاری با کارآفرینی دانشگاهی دانشجویان رابطه وجود دارد. روش آماری آزمون فرضیه‌ها از مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) استفاده شد؛ که نتایج مربوط به آن را می‌توان در شکل‌های زیر مشاهده کرد.



شکل ۴. تحلیل مسیر بر اساس شاخص t و شاخص ضریب اثر، رابطه سبک یادگیری و الگوی رفتاری با کارآفرینی دانشگاهی دانشجویان

با توجه به نتایج بین سبک یادگیری و الگوی رفتاری با کارآفرینی دانشگاهی دانشجویان رابطه وجود دارد و با توجه به شرایط معادله ساختاری، شاخص برازش χ^2/df معادل ۲/۱۶ و مقدار از ۳ کمتر است که نشان می‌دهد مدل نظری با داده‌ها برازش دارند و با این داده‌ها تأیید می‌شوند و نشان می‌دهد پایایی لازم را داشته است. RMSEA معادل ۰/۰۷۱ (جذر برآورد واریانس خطای تقریب یا همان آزمون انحراف هر درجه آزادی است) که به عنوان اندازه تفاوت برای هر درجه آزادی ارائه کرده است، استفاده می‌شود. مقدار

۰/۰۸ < RMSEA < ۰/۰۳ برآزندی خوب مدل را نشان می‌دهد. از طرفی P-value (سطح معنی‌داری) ۰/۰۰۰۱ می‌باشد که کمتر است. همچنین مقدار آماره t ، رابطه سبک یادگیری با کارآفرینی دانشگاهی دانشجویان معادل ۳/۳۲ و همچنین مقدار آماره t ، رابطه الگوی رفتاری با کارآفرینی دانشگاهی دانشجویان معادل ۴/۳۶ و از عدد ۱/۹۶ بیشتر است، ضمناً سایر شرایط معادله ساختاری نیز برقرار می‌باشد، لذا در سطح $\alpha = 0.05$ فرض صفر را رد و فرض مقابل را مبنی بر اینکه، بین سبک یادگیری و الگوی رفتاری با کارآفرینی دانشگاهی دانشجویان رابطه وجود دارد را می‌پذیرید.

جدول ۲. ارتباط الگوی رفتاری و سبک یادگیری ترجیحی به تفکیک رشته تحصیلی

رشته	الگوی رفتاری	سبک یادگیری کلب		S	D	C	I
		AC-CE	AE-RO				
مهندسی		۹۸-۴۱.۵	۲۶۸-۲۲	+			
	عملی		-				
علوم پایه		۴۱.۷-۳۷.۵	۲۰.۷-۰	+	+		
	حل مسائل						
علوم انسانی		۳۶۸-۵۲۶	۱۰.۵-۰	+			
	عملی						
مهندسی		۵۱.۹-۲۲.۲	۱۱.۱-۱۴.۸	+	-		
	جذب کننده: مشاهده فکورانه و مفهوم‌پردازی انتزاعی، تأکید به نظریه						
علوم انسانی		۳۸۸-۳۹	۳۸۸-۱۱.۱	+			
	عملی						
		۲۰.۸-۴۱.۷	۲۰.۸-۲۵	-			

اکثریت دانشجویان رشته فنی و مهندسی در این نمونه الگوی رفتاری غالب S, D را دارا بودند بدین گونه که: دانشجویان مدل رفتاری D تمایل دارند بر محیط و افراد تسلط و کنترل داشته باشند و بر دست‌یابی به نتایج تأکید دارند. معمولاً با اعتمادبه‌نفس هستند، این گروه افراد دارای سبک یادگیری ترجیحی همگرا می‌باشند که دارای نوعی تفکر عمل‌کردی هستند و بیشترین توانایی را در کاربرد تئوری‌ها و اندیشه‌های عملی دارند؛ می‌توانند استدلال فرضیه‌ای - قیاسی را در مورد مسائل خاص متمرکز سازد. غیرهیجانی هستند و ترجیح می‌دهند با اشیا کار کنند تا با آدمها. علاقه‌های محدودی دارند. بیشتر مهندسان دارای این سبک یادگیری هستند؛ بیشترین مؤلفه کارآفرینی عزت‌نفس و تحمل ابهام را دارا هستند؛ و دانشجویان مدل رفتاری S که معمولاً قابلیت اتکا و خدمت‌گزاری را دارا هستند و تمایل دارند از طریق همکاری و مشارکت با دیگران کار خود را جلو ببرند این گروه افراد دارای سبک یادگیری ترجیحی انطباق‌یابنده می‌باشند که دانشجویان سبک انطباق‌یابنده دارای نوعی نگرش آزمایشگری و تجارب مستقیم هستند مسائل را به‌صورت شهودی حل می‌کنند و به‌سرعت می‌توانند خود را با امور فوری وفق دهند، بیشترین توانایی در امور کارها را دارند و برای کسب اطلاعات به دیگران متکی هستند و معمولاً مشاغل عملی را برمی‌گزینند. بیشترین مؤلفه کارآفرینی تفکر جزئی و عزت‌نفس را دارا هستند.

دانشجویان علوم پایه در این نمونه الگوی رفتاری غالب S, C را دارا بودند بدین گونه که دانشجویان مدل رفتاری C که این افراد معمولاً بر تخصص و شایستگی تأکید دارند و تمایل دارند طبق استانداردها عمل کنند تا کیفیت و دقت کار تضمین شود. در این گروه افراد دارای سبک یادگیری ترجیحی انطباق‌یابنده می‌باشند که دانشجویان سبک انطباق‌یابنده دارای نوعی نگرش آزمایشگری و تجارب مستقیم هستند مسائل را به‌صورت شهودی حل می‌کنند و به‌سرعت می‌توانند خود را با امور فوری وفق دهند، بیشترین توانایی در امور کارها را دارند و برای کسب اطلاعات به دیگران متکی هستند و معمولاً مشاغل عملی را برمی‌گزینند؛ بیشترین مؤلفه کارآفرینی اطمینان از خود و عزت‌نفس را دارا هستند؛ و دانشجویان مدل رفتاری S که معمولاً از طریق همکاری و مشارکت با دیگران کار خود را جلو ببرند این گروه افراد دارای سبک یادگیری ترجیحی جذب‌کننده می‌باشند این دانشجویان نوعی توانایی در

استدلال استقرایی و جذب و ترکیب اطلاعات در ابداع الگوهای نظری بسیار قوی به صورت منطقی دارند و به مفاهیم انتزاعی علاقه بیشتری نشان می‌دهند تا مفاهیم اجتماعی، معمولاً جذب علوم پایه و ریاضیات می‌شوند و یا در بخش‌های پژوهشی و برنامه‌ریزی کار می‌کنند؛ بیشترین مؤلفه کارآفرینی عزت‌نفس و اطمینان از خود را دارا هستند.

دانشجویان علوم انسانی در این نمونه الگوی رفتاری غالب S, I را دارا بودند بدین گونه که: دانشجویان مدل رفتاری S که معمولاً قابلیت حمایت و خدمت‌گزاری را دارا هستند و تمایل دارند از طریق همکاری و مشارکت با دیگران کار خود را جلو ببرند دانشجویان با این مدل رفتاری در این نمونه دارای سبک یادگیری ترجیحی انطباق‌یابنده می‌باشند که دانشجویان سبک انطباق‌یابنده دارای نوعی نگرش آزمایشگری و تجارب مستقیم هستند مسائل را به صورت شهودی حل می‌کنند و به سرعت می‌توانند خود را با امور فوری وفق دهند، بیشترین توانایی در امور کارها را دارند و برای کسب اطلاعات به دیگران متکی هستند و معمولاً مشاغل عملی را برمی‌گزینند؛ و دانشجویان مدل رفتاری S که معمولاً از طریق همکاری و مشارکت با دیگران کار خود را جلو ببرند این گروه افراد دارای سبک یادگیری ترجیحی جذب‌کننده می‌باشند این دانشجویان نوعی توانایی در استدلال استقرایی و جذب و ترکیب اطلاعات در ابداع الگوهای نظری بسیار قوی به صورت منطقی دارند و به مفاهیم انتزاعی علاقه بیشتری نشان می‌دهند تا مفاهیم اجتماعی، معمولاً جذب علوم پایه و ریاضیات می‌شوند و یا در بخش‌های پژوهشی و برنامه‌ریزی کار می‌کنند؛ بیشترین مؤلفه کارآفرینی عزت‌نفس و تمایل به نوآوری را دارا هستند؛ و دانشجویان مدل رفتاری I افرادی اجتماعی هستند و تمایل دارند از طریق نفوذ و تأثیرگذاری بر دیگران یا متقاعد کردن آن‌ها بر محیط اطراف خود تأثیرگذار باشند؛ دانشجویان با این مدل رفتاری در این نمونه دارای سبک یادگیری ترجیحی واگرا می‌باشند و کسانی که به سبک واگرا عمل می‌کنند توانایی تخیل قوی دارند، در تولید اندیشه و دیدن امور از زوایای مختلف توانا هستند. به مردم علاقه‌مند هستند. توانایی بیشتری در موقعیت‌های عینی و واقعی دارند و بیشتر نظاره‌گر هستند تا عمل‌گرا. افراد دارای سوابق تحصیلی در علوم انسانی و هنرهای زیبا دارای این سبک یادگیری هستند؛ و دانشجویان مدل رفتاری S که معمولاً از طریق همکاری و مشارکت با دیگران کار خود را جلو ببرند این گروه افراد دارای سبک یادگیری ترجیحی جذب‌کننده می‌باشند این دانشجویان نوعی توانایی در استدلال استقرایی و جذب و ترکیب اطلاعات در ابداع الگوهای نظری بسیار قوی به صورت منطقی دارند و به مفاهیم انتزاعی علاقه بیشتری نشان می‌دهند تا مفاهیم اجتماعی، معمولاً جذب علوم پایه و ریاضیات می‌شوند و یا در بخش‌های پژوهشی و برنامه‌ریزی کار می‌کنند؛ بیشترین مؤلفه کارآفرینی عزت‌نفس و تمایل به نوآوری را دارا هستند. کلب و فرای می‌گویند هر یک از سبک‌های یادگیری فوق دارای قوت و ضعف مخصوص به خود است و لذا یادگیرنده‌ای که فقط از یک سبک خاص استفاده می‌کند یادگیرنده کاملی نیست. برای اینکه فرد به صورت یادگیرنده‌ای کامل درآید باید بتواند متناسب با موقعیت از سبک‌های یادگیری مختلف استفاده کند. یادگیرنده کامل کسی است که در برخورد با جهان و تجارب خود بسیار انعطاف‌پذیر و نسبت گراست و به راحتی می‌تواند تعارض‌های دیالکتیکی میان چهار شیوه اصلی یادگیری یعنی تجربه عینی، مشاهده تاملی، مفهوم‌سازی انتزاعی و آزمایشگری فعال را از راه ادغام آن‌ها با یکدیگر حل کند (سیف، ۱۳۸۰).

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش بررسی رابطه ارتباط الگوی رفتاری غالب و سبک یادگیری ترجیحی با مؤلفه‌های کارآفرینانه فردی به منظور ارائه مدل بود. یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل پژوهش با نتایج تحقیقات رادفر و همکاران (۱۳۹۸)، عسکری فر و همکاران (۱۳۹۷)، هان و همکاران (۲۰۲۰)، لیتون و کلینتون (۲۰۱۹)، تین چی هوانگ (۲۰۱۸)، ونگ و نیکرسون (۲۰۱۷)، رابرت اسپیریتو-اولموس (۲۰۱۵) و فرناندو دومنج (۲۰۱۴) هم راستا می‌باشد. بنا بر نمودارها و جداول نتیجه نیاز به بهبود در رشته‌های مختلف و سبک‌های یادگیری با مدل‌های رفتاری هر فرد، برای توانمندسازی فردی و تحصیلی و شغلی لازم در زمان مناسب و مشاغل مناسب نیز در جداول مشهود است. کلب و فرای می‌گویند هر یک از سبک‌های یادگیری فوق دارای قوت و ضعف مخصوص به خود است و لذا یادگیرنده‌ای که فقط از یک سبک خاص استفاده می‌کند یادگیرنده کاملی نیست. برای اینکه فرد به صورت یادگیرنده‌ای کامل درآید

باید بتواند متناسب با موقعیت از سبک‌های یادگیری مختلف استفاده کند. یادگیرنده کامل کسی است که در برخورد با جهان و تجارب خود بسیار انعطاف‌پذیر و نسبت گراست و به راحتی می‌تواند تعارض‌های دیالکتیکی میان چهار شیوه اصلی یادگیری یعنی تجربه عینی، مشاهده تاملی، مفهوم‌سازی انتزاعی و آزمایشگری فعال را از راه ادغام آن‌ها با یکدیگر حل کند (سیف، ۱۳۸۰). با توجه به اینکه آشنایی و آگاهی از سبک‌های یادگیری را می‌توان یکی از عوامل مهم موفقیت تحصیلی دانست. اکثر فراگیران در فرآیند آموزش و مطالعه و دست‌یابی به شیوه صحیح یادگیری، دچار اتلاف زمان، چالش و سردرگمی در میان انبوهی از منابع و مأخذ می‌شوند. عامه مردم معتقدند که فرزندان‌شان خودبه‌خود شیوه‌های درست مطالعه را کشف می‌کنند. این اعتقاد اساس درستی ندارد و فراگیر در هر مرحله تحصیلی و آموزشی باید فنون و شیوه‌های صحیح مطالعه را از طریق فراشناخت و کوشش آگاهانه بیاموزند. مطالعات نشان داده‌اند که نارسایی در مهارت‌های یادگیری و مطالعه می‌تواند تمامی مزایای یک فرآیند آموزشی یا حتی قابلیت‌های هوشی، شخصی و سلامت جسمی و روانی افراد را به‌طور منفی تحت‌الشعاع خود قرار دهد و از طرفی در صورت کارآمدی می‌تواند بسیاری از نارسایی‌های احتمالی در محیط‌های آموزشی و یا حتی کاستی در انگیزش تحصیلی و سلامت جسمی و روانی را که می‌تواند تأثیر مطلوبی بر عملکردهای کارآمد و مؤثر تحصیلی و شغلی فرد داشته باشد را تعدیل یا جبران کند. هدف از بررسی سبک‌های یادگیری غالب و مدل‌های رفتاری دیسک، ایجاد توانایی در پژوهشگران و مدیران به‌منظور درک، پیش‌بینی، هدایت، تغییر و کنترل رفتار انسانی در توانمندسازی‌های فردی و آموزشی و سازمانی است. به‌گونه‌ای که به شناخت و بازگشایی رموز رفتاری فرد و پیش‌بینی رفتارهایی که به‌طور معمول از آن‌ها مشاهده می‌شود می‌انجامد که تعامل مؤثر و موفقیت‌آمیز با افراد را در روابط شخصی و شغلی دربردارد. معمولاً شناخت یک یا دو الگوی غالب رفتاری در فرد و یک یا دو سبک ترجیحی یادگیری به شناخت فرد از خود و تبیین ارتباطات با دیگران به‌منظور حل چالش‌های فردی و تنش‌های سازمانی و همین‌طور بهبود مدیریت و افزایش بهره‌وری فردی و سازمانی می‌انجامد.

سپاسگزاری: پژوهش حاضر برگرفته از رساله دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری با عنوان رابطه سبک یادگیری و الگوهای رفتاری با کارآفرینی دانشگاهی در دانشگاه فردوسی مشهد به‌منظور ارائه مدل است. نویسندگان مقاله بر خود لازم می‌دانند از همکاری و مساعدت دانشگاه و همه عزیزانی که در این پژوهش ما را یاری نموده‌اند سپاسگزاری نمایند.

منابع

- احدی فاطمه. (۱۳۸۸). سبک یادگیری دانشجویان پرستاری و پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی سمنان، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی سمنان، ۱۱(۲): ۱۴۷-۱۴۱.
- حسینیان س، عظیمی پور پ، کرمی ا، یزدی م، کشاورزگرامی ق. (۱۳۹۱). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی آزمون‌های تیپ‌های شخصیتی نه گانه (انیگرام)، مشاوره شغلی و سازمانی، ۴(۱۲): ۱۴۴-۱۲۵.
- رادفر محمدرضا، زمردیان غلامرضا، علیقلی منصوره، مینویی مهرزاد، حنیفی فرهاد. (۱۳۹۸). طراحی و تبیین مدل بومی ویژگی‌های فردی کار آفرین جهت انتخاب سرمایه‌گذاری مخاطره‌پذیر در شرکتهای نوپا. فصلنامه مدیریت کسب و کار، (۳۴): ۳۴.
- رضایی لیلا، احدی حسن و اسدزاده حسن. (۱۳۹۴). پیش‌بینی انگیزش پیشرفت براساس سبک‌های یادگیری کلب در دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر تهران. دانش‌و پژوهش در روانشناسی کاربردی، ۱۶(۳): ۴۱-۳۴.
- سیف علی‌اکبر. (۱۳۸۰). روان‌شناسی پرورشی، روان‌شناسی یادگیری و آموزش. تهران: آگاه.
- عبادی غ، دلاور ع، نجاریان ب. (۱۳۸۲). بررسی ساختار عاملی پرسشنامه شخصیت ۱۶ عاملی کتل فرم FP-E16E، مجله علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۰(۱ و ۲): ۸۳-۱۰۰.
- عسکری فر کاظم. (۱۳۹۷). ارائه الگوی آموزشی توسعه توانمندی‌های کارآفرینانه در دانش‌آموزان با میانجی‌گری ویژگی‌های شخصیتی. توسعه کارآفرینی، ۱۱(۱)- شماره پیاپی ۳۹، ۱۰۱-۱۲۰.
- گرانمایه مهرناز، خاکبازان زهره، درویش آسیه، حقانی حمید. (۱۳۹۰). تعیین سبک یادگیری دانشجویان پرستاری و مامایی و ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی، مجله پژوهش پرستاری، ۶(۲۲): ۱۵-۶.
- هرگنجهان بی آر و السون متیو اچ. (۲۰۰۹). مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری، ترجمه علی‌اکبر سیف (۱۳۹۱)، ویرایش هشتم، تهران: دوران.
- هرگنجهان بی آر و السون متیو اچ. (۲۰۰۵). مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری، ترجمه علی‌اکبر سیف (۱۳۸۸)، چاپ چهاردهم، تهران: دوران.
- Bandura A. (1997). Self-efficacy: The exercise of control. <http://www.merel.org/products/nate.pp>. 139-145.
- Barrett T. (2010). The problem-based learning process as finding and being in flow. *Innovations in Education and Teaching International*, 47(2): 165-174.
- Chinaris T. (2016). Professionalism: The Right Choice.
- Hahn D, Minola T, Bosio G, Cassia L. (2020). The impact of entrepreneurship education on unvvessvty students' entrepneuria slll :s: a faii yyebb eddedness perspect..e. *Small Business Economics*, 55(1): 257-282.
- Hematiyan A, Omidvari M (2014). Investigating impact of job satisfaction on rate of human reliability using Heart technique. *Int J Curr Life Sci*, 4(2): 319-22.
- Henkel T 88888888 F e d tudy Managers' Wor BehaoooræSty.es. *The Journal of Human Resource and Adult Learning*, 14(1): 30.
- Henkel T G. (1992). Factor analysis of the personal profile system. *The Journal of experimental education*, 60(3): 271-280.
- Li YS, Chen PS, Tsai SJ. (2008). A Comparison of the Learning Styles among Different Nursing Programs in Taiwan: Implications for Nursing Education. *Nurse Educ Today*; 28(1): 70-76.
- Linton G, Klnton M. (2019). University entrepreneurship education: a design thinking approach to learning. *journal of innovation and Entrepreneurship*, 1-11.
- Marston W M. (2013). *Emotions of normal people*. Routledge.
- Matviuk S G. (2010). A Study of Peruvian Entrepreneurs Leadership Expectations. *Journal of American Academy of Business Cambridge*. 16(1):65- 70.
- Omidvari M. (2010). *Industrial Accident investigating and analysis*. Tehran: Industrial Management Publication.
- Piane G, Rydman R J, Rubens A J. (1996). Learning style preferences of public health students. *J Med Syst*, 20(6): 377-84.

- Sadler-Smith E, Tsang F. (1998). A comparative study of approaches to studying in Hong Kong and the United Kingdom British. *Journal of Educational Psychology*, 63: 81- 93.
- Sen S, Yilmaz A. (2012). The effect of learning styles on students' misconceptions and self-efficacy for learning and performance. *Journal Social and Behavioral Sciences*, 46: 1482-1486.



An Investigation into How Dominant Behavioral Model and Preferential Learning Style are Related to Individual Entrepreneurial Components: A Study for Presenting a Model

Golare Mohaghegh Daghigh¹

Mohammad Salehi^{2*}

Majid Fatahi³

Abstract

Purpose: This study aimed to identify the preferred learning style and dominant behavioral patterns of students and to investigate the relationship between the two with entrepreneurial components.

Methodology: The present study was applied in terms of purpose and descriptive-survey in terms of the type of research. The current study method was based on the grounded theory qualitative research method, which was selected through interviews with 12 experts, including faculty members of universities and members working in the profession, including various professional categories, by purposeful snowball sampling. Took The classification of data, interviews, was analyzed based on the first two stages of the three-stage system of Strauss and Corbin, i.e. open and axial coding, and subcategories were obtained. This study's statistical population was undergraduate students of technical and engineering, basic sciences, and humanities of the Ferdowsi University of Mashhad in the academic year 1397-98. The sample size was determined using Cochran's formula of 245 people, and the respondents were selected by stratified sampling method. The researcher-made questionnaire of individual entrepreneurial components was collected and analyzed with SPSS 23 and Lisrel software.

Results: The findings of the study indicate that most of the students had a result-oriented behavioral pattern and in the technical and engineering field most students had an extroverted and task-oriented behavioral model with a convergent dominant learning style; In the field of basic sciences, most students had an introverted and task-oriented behavioral model adapted to the preferred learning style, and in the humanities, most students had an extroverted and people-centered behavioral model with a divergent preferential learning style.

Conclusion: there was a significant relationship between learning style and students' behavioral patterns. Findings can improve personal, academic, and occupational cognition as effectively and efficiently as possible in the path of metacognition.

Keywords: Behavioral pattern, Individual differences, learning styles, Entrepreneurial components, grounded theory.

¹ PHD student PhD in Entrepreneurship Management, Faculty of Humanities, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

² Assistant Professor Associate Professor, Faculty of Humanities, Department of Educational Management, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

³ Assistant Professor Assistant Professor, Faculty of Humanities, Department of Business Management, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.